



استادان محمدبن زکریای رازی

گوناگون زمان خود و دیدار با علمای مختلف، از اساتید متعددی بهره برده که معروف‌ترین آنان سه نفر می‌باشند و هر کدام در رشته‌ای رازی را آموزش داده‌اند. این سه نفر عبارتند از: علی بن ربّین طبری در طب، ابوزید بلخی در فلسفه و حکیم ایرانشهری در گیتی‌شناسی (۱).

اکنون برای شناخت این اساتید رازی به طور اجمال به معرفی آنان می‌پردازیم:

■ علی بن ربین طبری

علی بن ربین طبری از دانشمندان معروف ایران است که پدران او در شهر مرو می‌زیستند و به پیشه دبیری اشتغال داشته‌اند. پدرش در کتب فلسفه و طب ممارست می‌کرده و طب را بر پیشه اجدادی مقدم می‌داشته است. لقب او «رین» بوده که به معنی بزرگ و آموزگار ما است (۲).

علی بن ربین طبری حکیمی محصل و طبیبی فاضل و عالم و نویسنده‌ای کامل بوده و سمت

یکی از روش‌های مهم شناخت عالمان و دانشمندان و ارزیابی میزان دانش آن‌ها شناخت اساتیدی است که فرد مورد نظر در نزد آنان به فراگیری نشسته است.

شاگردی اساتید مختلف در رشته‌های گوناگون جامعیتی به فرد می‌دهد که فقدان آن او را از این ویژگی محروم می‌سازد.

اصطلاحی در میان علمای قدیم و به ویژه علمای اسلامی وجود دارد که این مفهوم را بیشتر توضیح می‌دهد. آنان می‌گویند فلان دانشمند استاد دیده است و به همین دلیل از نظر علمی قابل اعتنا می‌باشد. جمله مذکور به این معنی است که نحوه برتری دو دانشمند که از نظر علمی برابر هستند با تعداد اساتید آن‌ها ارتباط دارد و هر کدام استاد بیشتری دیده باشد، بر رقیب خود برتری دارد.

محمدبن زکریای رازی که خود از دانشمندان بزرگ ایران است، علاوه بر مطالعه کتاب‌های

افکند تا آن که به ریسمان دین چنگ انداخت. وی در آغاز کار به طلب امام روی به عراق آورد و از این رو پیرو مذهب امامیه شد (۵).

ابوزید بلخی به پیروی از استادش کندی فیلسوف منادی اتحاد بین دین و فلسفه شد. وی فلسفه را پشتیبان شریعت می‌دانست و شریعت را هماهنگ و همسان با فلسفه می‌شمرد، چندان که یکی مادر و دیگری دایه می‌باشد. در این زمینه ابوحیان می‌گوید: «ابوزید بلخی چنان سخت به اندیشه استادش در سازش میان فلسفه و دین پایبند بود که هیچ کس دیگر به مانند وی در جمع بین فلسفه و شریعه توفیق نیافت» (۵).

حکیم رازی برای شخص ابوزید بلخی احترام خاص، همچون احترام شاگرد نسبت به استادش قایل بوده، چه رازی از بابت فقه موضوعی و جدل در آرای فکری و فلسفی که به هیچ صغیر و کبیری (مرده یا زنده) رحم نکرده، پدر پدران طب و فلسفه - جالینوس و ارسطو - را درآورده، پیروان ایشان از جمله کندی، استاد بلخی را هم بیچاره کرده، لابد یک حرمت و رعایتی برای ابوزید بلخی قایل بوده که وقتی ابوزید یک سرماخوردگی یا حساسیت (آلرژی) نسبت به گل سرخ در فصل بهار پیدا کرده حکیم طبیب ری فوراً یک رساله مفرد در علت و علاج آن نوشته است (مقاله فی النزلة / العلة التي من اجلها يعرض الزكام لابي زيد البلخي في فصل الربيع عند شمة الورد) (۵).

■ ابوالعباس ایرانشهری استاد دیگر رازی

متأسفانه، از ایرانشهری که ناصر خسرو او را به عنوان «استاد و مقدم» رازی یاد کرده اطلاع کافی و وافی در دست نیست. پل کراوس احتمال داده

منشی مازیار بن قارن را داشت و برای او نوشته‌هایی می‌نوشت که بلغای عراق و حجاز از آن متعجب می‌ماندند. پس از آن که مازیار در سال ۲۲۴ در هرمزآباد طبرستان به دست نیروهای عرب افتاد او به ری آمد و سپس روی به درگاه خلافت آورد و وارد دیوان کتابت معتصم شد و به وسیله او مسلمان گردید و سپس در سال سوم از خلافت متوکل یعنی ۲۳۶ هجری قمری در شهر سامرا کتاب معروف طبری خود (فردوس الحکمه) را تألیف کرد که به زودی مورد توجه اهل دانش قرار گرفت. محمدبن جریر طبری مورخ و مفسر معروف، این کتاب را از مؤلفش به سماع آموخت و در هنگام بیماری آن را در زیر مصلاهی خود می‌نهاد تا از آن بهره‌مند گردد (۳). قفطی در کتاب تاریخ الحکما در شرح حال علی بن ربن می‌گوید: «در طبرستان فتنه‌ای در گرفت که علی بن ربن به خاطر آن به ری آمد و در آن جا محمدین زکریای رازی از او بهره فراوان برد». ابن ابی اصیبعه در کتاب عیون الانباء در شرح حال رازی می‌گوید: «او در بزرگی به تعلم طب پرداخت و معلم او در این فن علی بن ربن طبری بود» (۴). استاد دیگر رازی ابوزید بلخی یا ابوزید احمدبن سهل بلخی (۳۲۲-۲۳۶ ه.ق) دانشمندی فراگیر دانش‌های پیشین و پسین که به قول ابن‌الندیم در تألیفات خود بر روش فلاسفه رفته است. وی متهم به الحاد بود، در حالی که او خود را موحد می‌دانست. ابوزید در اوان جوانی از خراسان به عراق (بغداد) آمد و با بزرگان و سرشناسان دیدار کرد. وی به شاگردی در نزد فیلسوف ابویوسف ابن اسحاق کندی (۲۵۶ ه.ق) به تحصیل فلسفه پرداخت. ابوزید در اصول دین هم تحقیق ژرف نمود که همین امر او را به حیرت

که ایرانشهری همان بلخی است که ابن ندیم او را معلم رازی در فلسفه دانسته ولی این مطلب نادرست می‌باشد، زیرا ایرانشهری اهل بلخ نبوده بلکه اهل نیشابور بوده است (۶).

کلمه ایرانشهر هر چند که به معنی عام کلمه شامل خراسان، سجستان، کرمان، فارس، اهواز، جبل آذربایجان، ارمینیه، موصل، جزیره و شام می‌شده که هر یک دارای شهرهای متعددی بوده ولی به معنی خاص کلمه به قصبه نیشابور اطلاق می‌شده که بلدهای جلیل و شهری نبیل و دارای دوازده رستاق (روستا) بوده است. ابوالعباس ایرانشهری به احتمال قوی منسوب به ایرانشهر به معنی دوم می‌باشد (۶). ابوریحان بیرونی، ایرانشهری را از مدققان محصلان به شمار آورده و در میان اصحاب کتب مقالات او را تنها کسی می‌داند که به صرف نقل و حکایت اکتفا کرده و میل و مدهانت بر خود روا نداشته است (۶).

ایرانشهری به آرا یهود و نصاری چیرگی داشته و از مضامین تورات و انجیل باخبر بوده ولی چیرگی او در مذهب مانویه بیشتر بوده است (۶).

می‌توان احتمال داد که رازی نه تنها در فلسفه و طبیعیات از او متأثر گشته، بلکه بسیاری از مطالب را درباره عقاید هندیان و همچنین فرقه‌های دیسانیه و محمره و مَنائیه را که در کتاب‌های خود نقل کرده از او آموخته باشد و شاید در نوشتن کتاب خود به نام «الرّد علی سپس المنافی» تحت تأثیر استاد خود یعنی ایرانشهری قرار گرفته باشد (۶).

به طور کلی، چنان که دکتر محقق هم می‌گوید مسأله شاگردی رازی زیاد مهم نیست، آنچه مهم است این که رازی چه فرا گرفته و از استادان چه

آموخته است. ملاحظه شد که رازی نظر به موضع مستقل و انتقادی خود، خواه در فلسفه یا طب، در واقع شاگرد مکتبی هیچ یک از استادان مذکور نبوده است. او گرچه در طب، دانش آموخته مکتب جالینوس و ابن ربن طبری بوده، همانا بزرگترین منتقد طبی در دنیای اسلام و کسی است که شکوک او بر جالینوس مشهور عالم است. درخصوص فلسفه هم بزرگترین منتقد مکتب ارسطویی (مشایی) و پیروان کندی و بلخی است (۷).

در یک کلمه، حکیم رازی با آن که به قول خود اجتهاد استادان پیشین را ارج می‌نهد، لیکن در باب معارف خویش مدیون تلاش و کوشش بی‌وقفه خود و جهاد علمی شبانه‌روزی خود می‌باشد.

نشریه دارویی رازی سالروز تولّد این دانشمند بزرگ و فرهیخته ایران را گرامی می‌دارد و برای همگی همکاران عزیز داروساز و پزشک آرزوی توفیق دارد.

دکتر سیدمحمد صدر

منابع

۱. اذکایی پ. حکیم رازی. چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو؛ ۱۳۸۳: ۷۲
۲. محقق م. فیلسوف ری. چاپ سوم. تهران: طلوع آزادی؛ ۱۳۶۸: ۱۱
۳. همان، ص ۱۲
۴. همان، ص ۱۲
۵. اذکایی پ. حکیم رازی. چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو؛ ۱۳۸۳: ۷۹-۷۴
۶. محقق م. فیلسوف ری. چاپ سوم. تهران: طلوع آزادی؛ ۱۳۸۳: ۱۹-۱۶
۷. اذکایی پ. حکیم رازی. چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو؛ ۱۳۸۳: ۸۲